

دستیابی به این اهداف خود دارد که مهمترین آن بیداری دوباره ملت نیکاراگوآ که نمادی از آن در انتخاب مجدد اورنگا جلوه گر شده است و دیگر سدره او در این مسیر، دولتهای ایران و ونزوئلا هستند چرا که این دو، اکنون مانع از توطئه های جدید آمریکا در این کشور شده اند. آمریکا اکنون در نیکاراگوآ با ایران و ونزوئلا رو در رو قرار گرفته و تلاش می کند از میان کشور های فقیر آمریکای لاتین متحدانی برای خود دست و پا کند، اما بدون شک با قول وام های کم بهره و تحویل انرژی از سوی ایران و ونزوئلا به نیکاراگوآ، برنده این میدان آمریکا نخواهد بود.

نیکاراگوآ جنگل های بکر و سر پوشیده، سواحل زیبا و وسیع و بزرگترین دریاچه های آب شیرین را داراست، اما در عین حال بهره ای از منابع نفتی نبرده است.

به قدرت رسیدن دوباره اورنگا در نیکاراگوآ این علامت را به ایران و ونزوئلا داده است تا هم پیمان مناسب دیگری در آمریکای لاتین داشته باشند و شانس اضافه کردن نیکاراگوآ به لیست ضد آمریکایی کوبا، اکوادور، بولیوی و دیگران دو چندان شود.

بر خلاف انتظار و تبلیغات آمریکا علیه اورنگا و جنگ های داخلی که قبل از آن در این کشور به راه انداخته بود که منجر به کشته شدن ۳۰ هزار نفر از مردم آن شد، اورنگا پس از سال ها دوباره در رأس امور قرار گرفت. او اکنون با سالهای گذشته تفاوت هایی کرده است چنانچه امروز می گوید: «مسح یک انقلابی بود و خداوند امروز جای مارکس را در اندیشه های من گرفته است.» این کلمات نشان می دهد که واژگان و ادبیات اورنگا دگرگون شده اما هنوز یک انقلابی ضد امپریالیسم با شعارهای وطن دوستانه است.

وزیر بازرگانی آمریکا «کارلوس گوتیز» می گوید که پیروزی اورنگا در انتخابات برای ما شرم آور است. سفیر آمریکا در نیکاراگوآ نیز از این امر به شدت ابراز نگرانی می کند. اکثریت مردمی که به اورنگا رأی دادند فقیرترین مردم نیکاراگوآ هستند آنسائیهی که گاه درآمد روزانه شان به زحمت به دو دلار می رسد اما آن ها

امروز در آمریکای مرکزی و جنوبی و حوزه دریای کارائیب مردم اعم از فقیر و غنی در برابر سیاست های یک جانبه گرایانه دولت بوش به شدت موضع گیری می کنند و براساس نظرسنجی ها بیش از ۸۷ درصد آنان سیاست های جهانی آمریکا را اشتباه می دانند

انتخاب کرده اند تا انقلابی باقی بمانند.

■ **اقتصاددانی که اشک بوش را درآورد**
با انتشار نتایج اولیه انتخابات ریاست جمهوری اکوادور، مشخص شد که «رافائل کورره» نامزد اقتصاددان، چپ گرا و طرفدار رئیس جمهور ضد آمریکای ونزوئلا به پیروزی رسیده است. او بر «آلوارو نوبوآ» نامزد حزب محافظه کار و طرفدار سرمایه داری غالب شد و به جمع جبهه مقاومت جهانی پیوست. اقتصاد نابسامان اکوادور که البته مردم علت آن را تبعیت شدید دولت های قبلی از سیاست های آمریکا می دانند، از مهمترین عوامل پیروزی «کورره» در این انتخابات بود.

بر این اساس، اعلام دیدگاه های سوسیالیستی، مخالفت با توسعه روابط با آمریکا، احتمال تعطیلی پایگاه نظامی آمریکا در خاک این کشور، مخالفت با دلاریزه شدن اقتصاد اکوادور، تأکید بر استمهال یکطرفه بدهی های خارجی به مؤسسات مالی بین الملل و احتمال پیوستن به سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در جریان تبلیغات انتخاباتی سبب پیروزی «کورره» در این انتخابات شد.

مخالفت های بوش با سیاست های وی نه تنها منجر به نزدیکی استراتژیک هر چه بیشترش با چاوز، کاسترو و دیگران رهبران گروه های سیاسی ضد آمریکایی از جمله «اورنگا» در نیکاراگوآ، «شافیک هاندل» در السالوادور و «مورالس» در بولیوی شد، بلکه خیزش های بیشتری را در این منطقه به دنبال داشت به طوری که همراهی ملت های آمریکای لاتین با دولت های خود به آن ها قدرتی چند برابر بخشیده است و در همین راستا مردم نیز به مقابله با سیاست های توسعه طلبانه آمریکا برخاسته اند.

■ **فریادهای دوباره از آلتند**

در کشور شیلی نیز «میشل باشلت»، سکان ریاست جمهوری را در دست گرفته است. وی قبل از این، رهبری حزب سوسیالیست ها و سپس وزارت دفاع را در اختیار داشت. در انتخابات به مردم قول داد که سیاستی آمیخته با ثبات و تحول در پیش گیرد که البته پس از پیروزی او نیز تحول دیگری در آمریکای لاتین و در مخالفت با آمریکا شکل گرفت.

شیلی بر سر جنگ در عراق، در شورای امنیت سازمان ملل با آمریکا مخالفت کرد. «باشلت» نه تنها بزرگترین مخالف آمریکاست بلکه خود را ادامه دهنده راه «سالوادور آلنده» رهبر فقید شیلی می داند.

■ **یائکی! به خانه ات برگرد**

با این انتخاباتی که در چند سال اخیر در آمریکای لاتین برگزار شده، کارشناسان سیاست خارجی آمریکا به دولت بوش توصیه کرده اند با توجه به شرایط کنونی می باید مواضع ایدئولوژیک و دیگر

موضع گیری های این گونه را در ها کند.

کوبا، ونزوئلا، اکوادور، نیکاراگوآ و بولیوی در رویارویی با آمریکا تکلیف کار را یکسره کرده و قید هرگونه روابط را زده و سیاست های ضد آمریکایی را در پیش گرفته اند و اکنون نیز شیلی در شورای امنیت با آمریکا مخالفت می کند، بزرگترین سیاست های تجاری آمریکا را پس می زند، اروگوئه روابط خود را با هاوانا از سر گرفته است و پائیز گذشته بوش با واکنش ها و اعتراض های خشونت آمیز خیابانی در آرژانتین روبه رو شد که ناگامی، شکست و از بین رفتن رؤیای تشکیل منطقه تجارت آزاد در قاره آمریکا را برایش رقم زد.

در کاستاریکا نیز «آریس» رئیس جمهور پیشین این کشور و برنده جایزه صلح نوبل سال ۸۷ میلادی، پیش رو در انتخابات اخیر این کشور است. او در دوران ریاست جمهوری خود در سال های گذشته هیچ گاه هم پیمان بی چون و چرای برای آمریکا نبرده و در سال های اخیر نیز از سیاست های آمریکا بویژه در مسئله عراق انتقاد کرده است.

امروز در آمریکای مرکزی و جنوبی و حوزه دریای کارائیب مردم اعم از فقیر و غنی در برابر سیاست های یک جانبه گرایانه دولت بوش به شدت موضع گیری می کنند و براساس نظرسنجی ها بیش از ۸۷ درصد آنان سیاست های جهانی آمریکا را اشتباه می دانند. این انتخابات و دیگر احساسات ضد آمریکایی و پیروزی بومی ها نشان می دهد که مردم سالاری بومی برای کشورهای آمریکای لاتین فرآیندی بدون بازگشت به شمار می آید.

■ **کریستف کلمبی از ایران**

شاید هیچ کس خیال این را هم در سر نمی پروراند که روزی با کشورهایایی که هزاران کیلومتر با ایران فاصله دارند ارتباطاتی در این سطح داشته باشیم. شاید نخستین باری که هوگو چاوز در زمان ریاست جمهوری خاتمی به ایران آمد، خوش بین ترین سیاست مداران هم فکر نمی کردند این سفر، دفعه دومی هم به دنبال داشته باشد، چرا که فاصله طولانی و فقدان گذشته مشترک و نبود مناسبات و همکاری ها در گذشته، این فکر را کیلومترها از ذهن دور می کرد.

اما با انتخاب محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران و مواضع ضد آمریکایی و شایهت هایی چون مردمی و انقلابی بودن، خستگی ناپذیری و ساده زیستی، سران دو کشور را بر آن داشت تا از این موقعیت بیشترین بهره ببرند.

البته ارتباط دوستانه ایران تنها منحصر به ونزوئلا نماند و اکنون کشورهای متعددی در آمریکای لاتین و جنوبی وجود دارند که دوستانی بالفعل برای ایران محسوب می شوند. گویی یک بار دیگر آمریکا کشف می شود آن هم توسط کریستف کلمبی ایرانی!

اکنون ما در آن سوی دنیا و در چند قدمی «شیطان بزرگ» متحدانی انقلابی و ضد آمریکایی و بازارهایی بکر و دست نخورده برای فعالیت های اقتصادی و خدماتی فنی و مهندسی داریم و اکنون می توانیم سطح این همکاری ها را به دیگر نقاط دنیا افزایش دهیم و بر نقاطی دست بگذاریم که تاکنون برایمان دور از ذهن و یا غیر ممکن می نمود.

البته این کار بزرگ تلاشی شبانه روزی و پیگیر را می طلبد که باید با دقت هر چه تمامتر گام به گام جلو رفته تا علاوه بر به دست آوردن بازار مطمئن و دور کردن فقر از این کشورها، هم راهی برای صدور انقلاب به این منطقه که دارای بسترهای انقلابی نیز هست بیابیم و هم ضربه ای به زیادی خواهی های آمریکا زده باشیم.

ایجاد بازارهای مشترک، گسترش مراودات تجاری موجب رشد و بالندگی اقتصادهای طرفین

